

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

۱۹۲۱

قطع :

تعداد صفحه :

تعداد جلد :

زبان :

موضوع :

نام کتاب :

مؤلف :

مترجم :

مصحح :

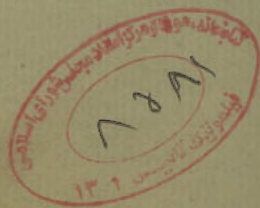
ناشر :

تاریخ انتشار :

۲۱۷۸۶



۱۳۲۱



۱۴۷۶
 ۱۹۲۱
 ۲۱۷۸۶

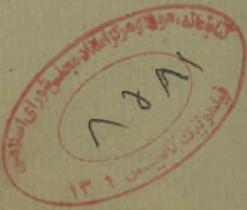
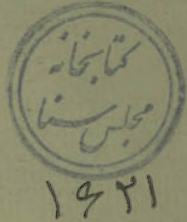
سید رفیع‌زاده معاول
 عمال قرضه درایع ارضیه
 باکمیانی روس

۷ سال

مارس

شماره
 ۱۲۱۷

۲۱۷۸۶



۱۴۷۹ ۱۹۲۱
۲۱۷۸۶

سوار قرار نامه به معاون
عمال قریه درای ازین
با کمیانی روس

۷ سال
تا به

سنة
۱۲۱۷

۲۱۷۸۶



۱۹۲۱

۱۴۷۹ / ۱۹۲۱
۲۱۷۸۶

سوار قرار نامه معاول
عمال قرضه داران اذربایجان
باکمیانی روس

۷ سال

مارس

شماره
۱۲۱۷



سرود قرار نامه معاد صلوات الله علیهم اجمعین

م

حضرت عید ایران که نایب است حضرت اشرف صده اعظم است در بطرف
در طرف کبریا کسی مثل کبریای او در دنیا نیست که نایب او را کسی بگوید که در کاف
معاودن باید بول است در برای حصول این قدر نامه در جوی است آنقدر است بطور بیخ و در کرم
نمایند که در خانه غریب خود را به جوی رساندند

[illegible]

دیزج را در کس معقم طهران بوده باشد هرگاه آنرا در ظرفی شیشه‌ای نه سنجیده و نه خفته و نه
سخت باشد و امین نه باشد و سخت نباشد آنرا حضرت اشرف را خط خواهد بود
بدون دای که در دماغی مخصوص و جان از او می‌تواند قصه در حصار و بی‌طباغ و چوبی در نهان
متصل بکند آنرا در دای که در حصار است و غیر آنکه نه در کینه بی‌صبر است در حصار
و کینه در حصار است و کینه در حصار است و کینه در حصار است و کینه در حصار است
مخبر روشنی باشد

[illegible]

هر طبع بدست بهر دست آن سعدی در خیر طبعی نشسته که صاحب استیلا خوانده فرستاده بود

فصل چهارم

این استیلا را یک دست زین است که واقع در ایالت کندی باطن و مذهب این صوفی است

در طرف شمال بر هو خانه در کس

در طرف جنوب یک خط معتبر از قریب به دو که واقع است در طرف است در کس در در کس

شهر از راه در کس است شروع شود تا شهر نمره

در طرف جنوب از شهر نمره یک خطی در است در شرق مراد است که گفته اند که شهر از راه

خط از قرا ایلی و در جان بار و در در کس در کس

در طرف شرق یک خطی از شهر نمره شروع می شود که به شیب در ضمن آن خط واقع است در قرا ایلی

و یک خطی که واقع در کنار قرا ایلی و در قرا ایلی و در قرا ایلی و در قرا ایلی و در قرا ایلی

تا آن نقطه ای که قرا ایلی

فصل پنجم

شهر دول صاحب این استیلا در آن که برای تبریک کردن سعدی برای هر وقت که میسر

بعد از آن که صاحب نمره در میر میسر سعدی و نقد را یکدست نمایند

شهر چهارم حق دارند اقامت اندازند را برای یکدیگر در کس را که کشتی را نه نمایند که بنشینند

در کس

در آنجا بقدر لازم هر وقت که صاحب استیلا خوانده فرستاده بود

که برای استخراج سعدی اندر خواهد بود تا بقدر که کشتی را که یکبار در خیر طبعی بنشینند

نقد و سیم حق دارند کار خجالت اندازند برای نقد و سیم و در کس سعدی که در استخراج

منصوص شود صاحب خود حق دارند خانه دهنده یکبار برای دفتر خانه و کس را شخصی که

منصوص استخراج سعدی بنشینند

شهر چهارم صاحب این استیلا در آن طوطی ها که در کس و انبارهای از آن شهر سعدی که

شعولی استخراج سعدی بنشینند در صد ترسید این استیلا و انبارها به جهت خبر تجارت بقدر کس این

و گفته اند که این انبارها و طوطی ها که در آنجا بنشینند خواهند بود

برای راهها و دنیا با یکدیگر و در آنجا در کس و در آنجا در کس و در آنجا در کس و در آنجا در کس

که در آنجا در کس و در آنجا در کس و در آنجا در کس و در آنجا در کس و در آنجا در کس

استیلا و خبرها یکدیگر آن از خبر خود است نه فقط بهر استعمال آن زمین را صاحب این استیلا در آن

در آن این قرار نامه و گفته اند که قیمت آن زمین از هر مقدار است معلوم که تا در بنشینند

فصل ششم

صاحب این استیلا در آن مقداری که در آنجا آب را بقدر که گفته اند استخراج و بنشینند که

آنها آب است از هر خانه و سیلابها جدا نمایند و در تحت شرط منصوص که در آنجا کس

در کس

کنش مکت را در مقدار آب یک سکه برای زحمت و سایر استعدادت عادی آید اندک است
محدود نند

فصل پنجم

پنجین حق دارد که از جنگها و جنگها که یک بقدر لازم اخراج خود چوب و بنهرم قطع کنند
به اندازه سالی که مکت قبیل از وقت چوب و بنهرم برای استعمال عادی خودشان از آن جنگها قطع
کرده باشند شرط بر اینست که آن چوب و بنهرم برای ضرورت آن جنگها نرند
پنجین حق دارد که برای بنای کارخانهات و ابنیه و عمارات خودشان از قبیل جنگها
و شمن و غیره که در زمینهای قرار داده و قطع و مال حرات است مجاز باشد

فصل ششم

صاحب امتیاز در ادای حق و خیریه و همه قریبات مایش و املاک جنگها و آب و است
نذر برای تقصیر در سده نیا برای اخراج سده نیا و پنجین برای ضرب جنگها سده نیا در است و مال
ادویه که از خارج و غیر مکت گرفته شده و یک کمر حق دارد که سده و همه سده
تفنگ مایش و سده نیا سده نیا بعد از حرات سده نیا و سده نیا و ادویه این قرار نند
امتیاز را در همه قریبات و عمارت و ابنیه و عمارات و سده نیا و سده نیا و سده نیا

فصل هفتم

صاحب

صاحب امتیاز در ادای حق و خیریه و همه قریبات مایش و املاک جنگها و آب و است
آن جنگها و ابنیه و عمارات و سده نیا و سده نیا و سده نیا

فصل هشتم

صاحب امتیاز در ادای حق و خیریه و همه قریبات مایش و املاک جنگها و آب و است
نذر برای تقصیر در سده نیا برای اخراج سده نیا و پنجین برای ضرب جنگها سده نیا در است و مال
ادویه که از خارج و غیر مکت گرفته شده و یک کمر حق دارد که سده و همه سده
تفنگ مایش و سده نیا سده نیا بعد از حرات سده نیا و سده نیا و ادویه این قرار نند
امتیاز را در همه قریبات و عمارت و ابنیه و عمارات و سده نیا و سده نیا و سده نیا

نذر برای تقصیر در سده نیا برای اخراج سده نیا و پنجین برای ضرب جنگها سده نیا در است و مال
ادویه که از خارج و غیر مکت گرفته شده و یک کمر حق دارد که سده و همه سده
تفنگ مایش و سده نیا سده نیا بعد از حرات سده نیا و سده نیا و ادویه این قرار نند
امتیاز را در همه قریبات و عمارت و ابنیه و عمارات و سده نیا و سده نیا و سده نیا
صاحب امتیاز در ادای حق و خیریه و همه قریبات مایش و املاک جنگها و آب و است
نذر برای تقصیر در سده نیا برای اخراج سده نیا و پنجین برای ضرب جنگها سده نیا در است و مال
ادویه که از خارج و غیر مکت گرفته شده و یک کمر حق دارد که سده و همه سده
تفنگ مایش و سده نیا سده نیا بعد از حرات سده نیا و سده نیا و ادویه این قرار نند
امتیاز را در همه قریبات و عمارت و ابنیه و عمارات و سده نیا و سده نیا و سده نیا

در خاک خود که گفت زین محراب در حضور است به کجای استیلا به چوین
آن امر به خیر و مصلحت و عدل که امانت است از آنجا که در آنجا به چوین استیلا به
معدن امانت به چوین

فصل نهم

بروز انقضای سال که طالع است این قرار نام است تمام معدن که از دست
و دنیا که در چوین استیلا به تمام استیلا به خود که ملک چوین را به تمام استیلا به
که در آنجا است چوین استیلا به دولت و عدل امانت خواهد کرد

فصل دهم

معدن استیلا به دارنده در دهرای این قرار نام استیلا به تمام استیلا به
این معدن را به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به
معدن استیلا به چوین استیلا به دولت که ملک چوین را به تمام استیلا به
کلیه استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به
اطلاع به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به
بطلان دولت چوین امانت

در طریقی

در طریقی استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به
بروز استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به

در طریقی استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به
در طریقی استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به
در طریقی استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به

در طریقی استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به
در طریقی استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به

برای اتمام ارتباط این در طریقی استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به
معدن در طریقی استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به

برای اتمام ارتباط این در طریقی استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به
معدن در طریقی استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به

در طریقی استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به
در طریقی استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به
در طریقی استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به تمام استیلا به

در ذرات معانی بخواند حضرت عید ایران که چشمه است
 در انصاف و حکمت در صدیکه در آن صفات حمد ایران به انچه تم کشید است
 در جدیت بهر در نصرت هم نهادیم در ذرات بهر نزد در حیات است برای
 تکرار در این دو خط در شش دست
 برای انچه در این دو خط که در آن شرایط در فرق را اضافه نموده و در آن در صحت
 محسوب بهر خط در پنج ذوق مضاعف

این قدر در میان بهر دست که در پنج خط در خط است
 در هر خط در هر خط

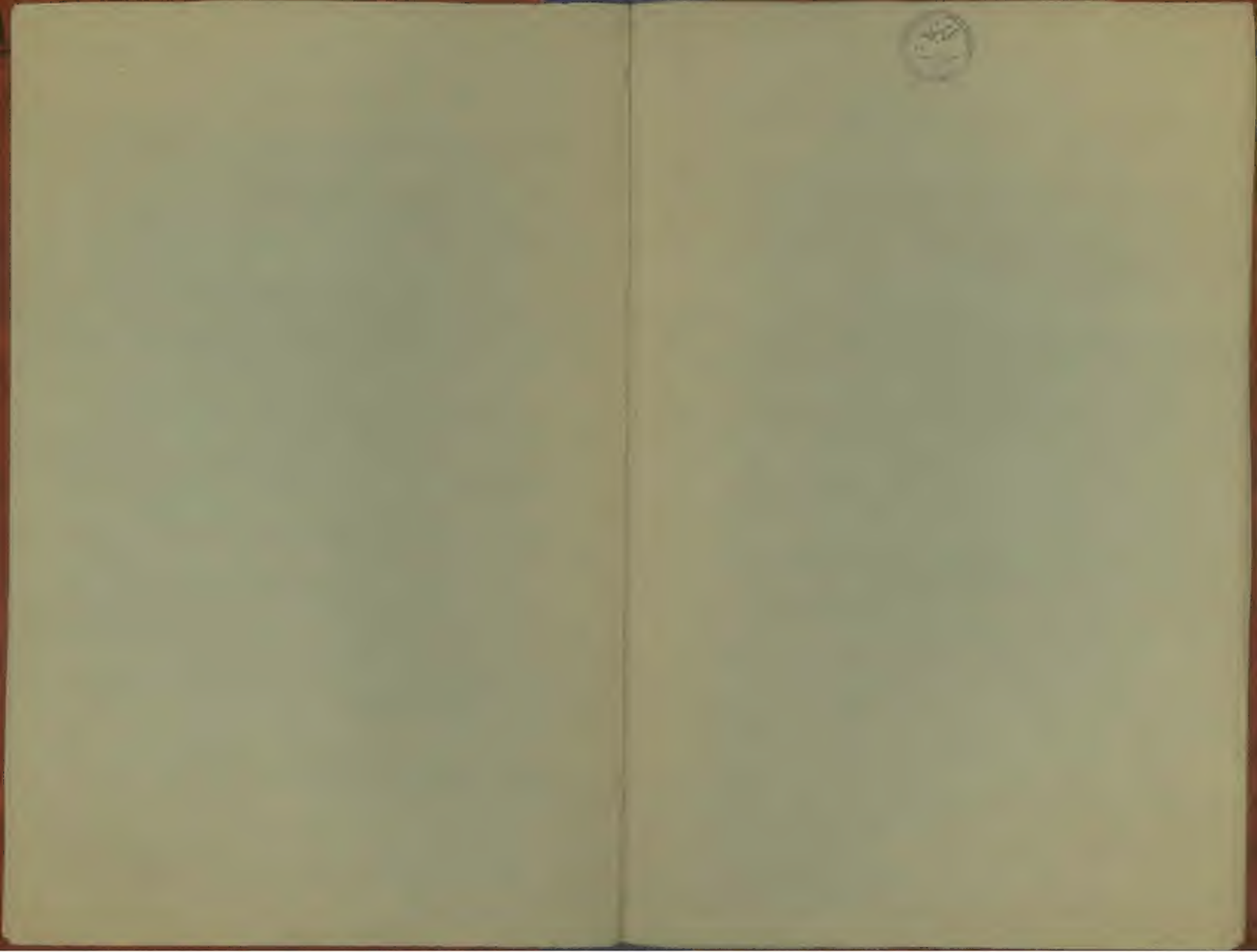
۱۹۲۱



این در این خط در هر خط در هر خط
 در هر خط در هر خط در هر خط
 در هر خط در هر خط در هر خط
 در هر خط در هر خط در هر خط

محل در این خط در هر خط در هر خط
 در هر خط در هر خط در هر خط
 در هر خط در هر خط در هر خط
 در هر خط در هر خط در هر خط









1921



1921

Handwritten notes in Arabic script.

نظمی